



شادی اولویت زندگی ماست

۲۵ ذی حجه و روز تکریم خانواده بهانه‌ای شد تا خواهران بیانی
از روزهایی بگویند که به ترویج مهرمادری و خانواده‌دوستی در جامعه می‌پردازند



بزرگ‌ترین
گمشده
زن مسلمان
معاصر

کارآفرینی
خلاقانه
برای
نسل امروز



الهام غفاری

مدیر مؤسسه مطالعاتی-تربیتی مهدی

(آفاق)

بزرگ‌ترین گمشده زن مسلمان معاصر



چه به روز انسان معاصر آمده است؟ گویا به معنای واقعی کلمه، انسان امروز دچار نوعی خودآزاری پنهان ناشی از ضلالت و سردرگمی شده است، ضلالتی که از کم گشتگی می‌آید. در دنیایی که شیوه‌اش سرگرمی و فریبندگی است، بدیهی است انسان به جای حرکت، مشغول شود و عقب‌گرد کند.

شاید بزرگ‌ترین گمشده زن مسلمان معاصر همین هویت گمشده و آشفته‌گی وی در شلوغی بازار دنیا باشد.

جایی که حق با ناحق جا به جا شده است، اصالت‌ها جای خود را به مصلحت‌ها بخشیده و حرکت‌ها به بهانه انحراف و شبهه، در نطفه خفه شده‌اند، بدیهی است گاهی زن مسلمان هم سرگرم و مشغول شده باشد؛ گاه به نام فمینیسیم اسلامی، انگ تندروی بپذیرد و گاه به علت زن بودن، ابزار بهره‌کشی مدرن بشود.

برخی‌ها زن مسلمان را بابت نقش‌های متعددش مورد تمسخر قرار می‌دهند. او را به این علت که گاهی باید نقش یک بانوی فکور و اندیشمند را به عهده گیرد و گاه به عنوان یک مادر خانگی تنها دغدغه‌اش فرزندانش بوده‌اند، شماتت می‌کنند. معتقدند زن ابزار حاکمیت است و هرچال لازم بوده در عرصه سیاست و اجتماع، خودی نشان بدهد، به او امرار مشتبیه می‌کنند تا نقشش را به خوبی ایفا کند و هر وقت نیازی به او نباشد، او را در پستوی خانه حبس می‌کنند.

با استفاده از همین تهمت‌های عامدانه یا جاهلانه، قشر عظیم زنان طبقه متوسط اجتماعی را که نه به اقلیت حق و نه به اقلیت باطل، تعلق جدی نداشتند، با خود همراه کرده و در دوگانه مصرف و غصبه بابت نبود امکان مصرف، در دنیای شلوغ و میان‌روزم‌رگی‌ها، مشغول و سرگرم کرده‌اند. غافل از اینکه در باور و نگرش اسلامی، تفکر منطقی فازی مبتنی بر ضروریات و اقتضائات اصیل انسانی در جامعه توحیدی، اصل مقدم انتخاب‌های انسان و همان حقانیت اسلامی است.

در نگرش اسلامی، هرچال لازم است زن درون خانه باشد، باید که درون خانه باشد و این بزرگ‌ترین حرکت اوست. هرچال که باید وسط میدان باشد، دقیقاً میانه عرصه جهاد است و این باز حقیقی‌ترین انتخاب او بوده است.

تعارض میان احادیث مختلف و سیره و منش بانوان اسوه در صدر اسلام مبین همین نکته است که هدف شناخت موقعیت و موضع‌گیری مناسب در مقابل هر موقعیت است.

اکنون بسیاری از شاخصه‌های موفقیت و هویت مطلوب برای زنان بر اساس الگوی مردانه بازتعریف شده است. وقتی مؤلفه‌هایی همچون تحصیل، درآمد و اشتغال را نشانه هویت‌یابی صحیح برای زنان مسلمان ایرانی معرفی می‌کنیم، نه تنها به ناچار زن را در موقعیتی متعارض و رنج‌آور نسبت به داشته‌ها و کشش‌ها و نیازهای طبیعی خود و صد البته اجتماع در زمینه فرزندآوری، همسرداری و مادری قرار می‌دهیم، بلکه به علت طراحی نشدن صحیح و اصولی مبتنی بر دو مؤلفه انسان خدا‌باور و مقتضیات عرفی جامعه اسلامی، در نهایت، زنان را با تناقضاتی آشکار در زمینه تصمیم‌گیری یا سرسپردگی، اقدام و عمل یا تعلل و بی‌عملی و آرامش و تکلیف‌محوری یا لذت‌جویی و سرگرمی‌رها می‌کنیم، فرایندی که در نهایت زن را به افسردگی، عدم حرکت و بازیگری و ایفای نقش‌های کاذب و سرگرم‌کننده‌امابی معنا می‌کشاند و او را در وادی حریت و سرگشتگی رها می‌سازد. این در حالی است که در عالمی که انسان بماهو انسان هدفش بندگی است، دنبال کسب فرمان برای ادای تکلیف است، نه به دنبال فرصتی برای سرگرمی و نه در جست‌وجوی اندوهی برای فقدان، شاید بزرگ‌ترین ظلم به زن همین دور کردن او از تکلیف محوری، از معرفت‌اندیشی و از خودآگاهی و اشراف وی بر نقش و داشته‌ها و وظیفه‌های انسانی و سپس جنسیتی خویش است.



شهربانو

۲۲ شنبه
۳ مرداد ۱۴۰۱
۲۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ شماره ۳۷۲۰

(۲)

سمانه سلطانی

کارشناس ارشد شهرسازی

(پرتو)

سناریوی شهرسازان برای روز خوب خانواده‌ها



اطرافتان راه نگاه کنید. کمی اخبار را مرور کنید. مباران حرف‌ها و خبرهای ناخوشایند امانت‌ان نمی‌دهد. در چنین شرایطی، برنامه شما برای حفظ سلامت روان خود و خانواده‌تان چیست؟ حتی اگر نگاهی به نامالیقات و پیچیدگی‌های شرایط کنونی نداشته باشیم و همه چیز را وفق مرادمان بباییم، باز هم باید به عنوان مادر یا پدر برای خانواده‌مان برنامه داشته باشیم و زیست خانوادگی را مثل یک بازی گروهی ببینیم.

مدیریت شهری و شهرسازان نیز با همین رویکرد به خانواده نگاه می‌کنند و از همین منظر در تلاش‌اند به نیازهای یک خانواده ایرانی اسلامی در زیست شهری‌شان پاسخ دهند.

جنس تعاملات و پیچیدگی‌های روابط در خانواده امروزی ایجاب می‌کند که شهرسازی به سمت کاربری‌های چند عملکردی حرکت کند. در نتیجه بر حال خوب شهر تأثیر بگذارد، موضوعی که در معماری گذشته تجلی داشته است و در آینده نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

الگوی ساخت مسجد، بازار و مکتب در کنار یکدیگر در شهرسازی سنتی ایرانی دقیقاً تأمین‌کننده همین دیدگاه بوده است. اکنون نیز نمونه‌های فراوانی را می‌توان یافت که با ارائه کاربری‌های چندعملکردی زیست شهری را برای خانواده‌ها تسهیل کرده است. بازارچه گلستان کتاب در خیابان دانشگاه مشهد فضایی را فراهم کرده است که ترکیبی از سکون و گذران اوقات است. پاتوق‌ها، مغازه‌ها و فضاهای آموزشی، فرهنگی و اداری به‌سادگی در مجاورت هم شکل گرفته‌اند.

در نگاهی کلان‌تر می‌توان به این مهم از طریق برگزاری رویدادها نیز دست پیدا کرد. مهمانی ده کیلومتری در خیابان ولی‌عصر (عج) تهران اگرچه عنوان مهمانی را یدک می‌کشید، برای مدتی محدود، ۱۰ کیلومتر از طولانی‌ترین خیابان غرب آسیا را به پیاده‌راهی تبدیل کرد که کاربری چندعملکردی با تأکید بر گذران اوقات فراغت خانواده داشت.

خیابان‌های پیاده‌مدار مثل جنت در مشهد نیز سابقه‌ای طولانی در ارائه چندعملکردی خدمات به خانواده شهری دارند. هم‌جواری بازار، مسجد، فضای سبز و پیاده‌مداری این خیابان‌ها باعث شده است همه اعضای خانواده بدون دغدغه، به حضور در آن و تأمین نیازهایشان اقدام کنند.

لیلی رحمانی

فعال فرهنگی

(نرگس)

افزایش فضاهای فرهنگی با محوریت زنان



«توسعه» کلیدواژه‌ای است که همه درباره آن می‌اندیشند. زمانی که از نیروی انسانی و سرمایه اجتماعی بحث می‌شود، مشخصاً موضوع سلامت اجتماعی و زیست سالم پایه و اساس سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در هر شهر و کشوری است. توجه به این امر در سایه اهمیت یافتن و توجه به امر مهم آموزش صحیح و ایجاد بستری برای گسترش فعالیت‌های جمعی خواهد بود. بر این اساس، نهادهای آموزشی جزو اصلی‌ترین نهادها برای انتقال ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارها هستند. این آموزش از نخستین هسته‌های شکل‌گیری جامعه یعنی خانواده آغاز می‌شود. آشکار است که خانواده بدون اغراق بیشترین تأثیر خود را از مادر و زن دریافت می‌کند. در واقع، زن اثرگذارترین نقش موجود در خانواده را دارد. بر این اساس، لازم است موضوع زنان و سبک زندگی آنان به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مدیران در سطوح مختلف بدل شود. سبک زندگی نشاط‌آور برای زنان از الزامات ارتقای شیوه زندگی افراد است که اگر محقق شود، زندگی اجتماعی را نیز پویا خواهد ساخت. این امر با فعال کردن دو حوزه آموزش و گسترش فضاهای نشاط‌آفرین و مرتبط با حوزه اوقات فراغت محور قوت

می‌گیرد. پس باید گفت نقش مراکز فرهنگی و فراغتی در امر کلی توسعه بسیار پررنگ است. زنان نیازمند بهره‌بردن از این فضاها برای افزایش مشارکت اجتماعی، ارتقای سبک زندگی در راستای ارتقای سرمایه‌های اجتماعی هستند. شهر مشهد مقدس به عنوان شهری که سالانه میزبان جمعیت زیادی از زائران از جمله زائران زن است، بار بیشتری را در این حوزه بر دوش می‌کشد. زنان و خانواده‌هایی که این شهر را برای اقامتی چندروزه انتخاب کرده‌اند نیازمند وجود فضاهایی هستند که بتوانند اوقات فراغت مناسبی برای آنان فراهم کنند و از سویی حس امنیت و نشاط را برای ایشان به بار آورند. فضاهای فرهنگی و فراغتی شهر مشهد با محوریت زنان در سال‌های اخیر و با اهداف ذکرشده اهمیت بیشتری یافته و هم‌اکنون از میان ۲۳ فرهنگ‌سرای فعال در شهر مشهد، سه مورد مختص بانوان هستند که آماده فعال شدن جنبه‌های آموزشی برای آنان‌اند. هم‌چنین بوستان‌هایی که به صورت اختصاصی در جهت ایجاد فضایی با افزایش احساس امنیت و فراغت برای بانوان و خانواده‌ها احداث شده است سیزده مورد است. این تعداد با احداث چند بوستان دیگر رو به افزایش خواهد بود.



اما چنان که به نظر می‌رسد، با توجه به اهمیت فعال کردن نقش زنان بر اساس آنچه اشاره شد و در جهت ایجاد بسترهای گسترده‌تر برای حضور ایشان و اثرگذاری در عرصه‌های اجتماعی، لازم است سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان‌تری در حوزه مدیریت شهری صورت پذیرد.

یک جرعه محبت، جای خالی مادر



مریم قربان زاده

✚ زجر بزرگی است دیدن چشم‌های نگران و تشنه محبت

من می‌گویم این شش ماه حتما طولانی‌تر خواهد شد و چه بسا برای همیشه باشد. دوستانی دارم که با وجود داشتن دو و سه فرزند، میزبان یک نوزاد می‌شوند و حالا این نوزاد دارای یک خانواده شده است، خانواده‌ای که مادر دارد و او را مثل فرزند خودش بزرگ می‌کند، برایش بیدار می‌ماند، برایش گریه می‌کند، او را می‌بوسد و با صدای خنده‌های این نوزاد بی‌سرپرست و معصوم، خشنودی خدا را برای خودش می‌خرد. این‌ها را گفتم که گاهی در برنامه روزانه‌مان زمانی بگذاریم برای مادری کردن برای بچه‌هایی که فرزندمان نیستند اما به مادر نیاز دارند. زجر بزرگی است دیدن چشم‌های نگران و تشنه محبت این بچه‌ها، بچه‌هایی که به همت خیران هیچ چیزی از آسایش دنیا کم ندارند اما بزرگ‌ترین کمبود زندگی‌شان یک آغوش امن است.

مادرها در هر شهر و منطقه‌ای باشند، فرزندان بی‌مادر را فراموش نمی‌کنند. مادری چشمه‌ای است که همواره می‌جوشد. ساعتی از طراوت این چشمه را به کودکان و نوزادانی هدیه کنیم که این نعمت بزرگ را ندارند. ما هم جزئی از جامعه نیکوکاران باشیم با خیرات محبت و بوسه و توجه، با خیرات یک آغوش امن و پر محبت. همه دوستان را که در طرح «خانواده امین» یک کودک معصوم را در دامن پرمهرشان پذیرا شده‌اند می‌ستایم. دست خدا به همراهان و عنایت مادر یتیمان، حضرت خدیجه (ع)، شامل حال خودتان و خانواده‌تان باد.

اولین قدم به سراغ مدیر شیرخوارگاه رفتیم. با چنان خشونت‌بی‌برخوردی که خشکمان زد. طردمان کرد. طرحمان را به تمسخر گرفت و بیرونمان کرد. «آغوش امین» در حال بزرگ شدن بود. بسیاری از مادرها با پیام‌های ما در فضای مجازی به فکر نوزادان شیرخوارگاه افتادند و اسم‌نویسی کردند و منتظر بودند هر چه سریع‌تر برای انجام یک کار خداپسندانه وارد میدان شوند. یکی از دوستان پیشنهاد داد به آسایشگاه فیاض بخش برویم و با آن‌ها صحبت کنیم. آقای دکتر کریمی هم در جلسه از طرح ما دفاع و از ما حمایت کرد. در اولین جلسه و بازدید، ما را همراهی، و گروه مادری آغوش امین کارش را شروع کرد. شیفت‌ها منظم شد. هر چند نفر چند ساعت در هفته اعلام آمادگی کردند. به صورت منظم برای مادری کردن به آسایشگاه معلولین فیاض بخش می‌رفتند و در بخش نوزادان انجام وظیفه می‌کردند.

روزهای شیرینی بود برای همه، اما اصل ماجرا فتح کردن شیرخوارگاه علی‌اصغر بود. کودکان معلول هر چند به محبت و مهر و توجه نیاز دارند، چون وارد جامعه نمی‌شوند و برای همه عمر در آسایشگاه می‌مانند و زندگی می‌کنند با مشکلات عاطفی روبه‌رو خواهند شد. این کلیت ماجراست هر چند از بین همین کودکان کم‌بهره از محبت خانواده، آدم‌های قوی و بانگیزه و مدیری بیرون می‌آیند که وجودشان برکات فراوانی دارد.

القصة که گروه «آغوش امین» با فرارسیدن کرونا از نعمت حضور بین کودکان آسایشگاه معلولین فیاض بخش محروم شد. همه مادرهای گروه از رشد شخصیت خود متعجب بودند. اینکه رسیدگی به این بچه‌ها چقدر ما را بزرگ کرد، چقدر باعث رشدمان شد، چقدر به ما برکت و آرامش داد و... شیرخوارگاه علی‌اصغر یک مدرسه است. مدیریتش عوض شده است و با خبریم مدیری دانا و حکیم این مسئولیت را بر شانه می‌کشد و حتماً با گروه «آغوش امین» همکاری خواهد کرد.

با خبریم که گروهی از مادرها تحت عنوان «خانواده امین» با ابتکار مدیریت جدید وارد میدان شده‌اند و شیرخواران و کودکان را شش ماه به خانه خود می‌برند تا از خطر کرونا در امان بمانند. این شش ماه، نوزاد به رسم امانت در اختیار خانواده‌ای امین، با ایمان و با محبت قرار می‌گیرد تا طعم شیرین پدر، مادر، خواهر و برادر داشتن را بچشد.

✚ همه چیز از پیام یک پرستار در فضای مجازی شروع شد، سه چهار سال پیش. گفته بود نوزادان شیرخوارگاه حضرت علی (ع) همه چیز دارند غیر از کسانی که آن‌ها را در آغوش بگیرند. درد دل کرده بود اما دل ما هم به درد آمد.

یک آغوش امن و مهربان اولین چیزی است که هر نوزادی به آن نیاز دارد. حس مادری قوی‌ترین احساس بشریت است. درباره دلایل رفتن این نوزادان به شیرخوارگاه و بهزیستی قضای می‌کنم. درباره اینکه یک مادر چرا و چگونه می‌تواند فرزندش را از خود جدا کند و برای همیشه او را به دست سرنوشت بسپارد و خود را از او بگیرد قضاوت نمی‌کنم.

✚ نظام‌های فکری هرگز نتوانستند مادری را حذف کنند

مادری قوی‌ترین احساس بشریت است. همه نظریه‌ها و نظام‌های فکری غرب برای حذف حس مادری شکست خورده‌اند. حتی در سوئد که به قول خودشان مردها اهمیت چندانی ندارند، باز هم نتوانسته‌اند زن را از فطرتش دور کنند. باز هم انگیزه مادری برای زن‌ها را ارج می‌نهند و با گرفتن اسپرم مردها و لقاح مصنوعی، زن‌ها را باردار می‌کنند تا حس شیرین مادری را از آغاز تا آخر تجربه کنند. مادر شدن کمال یک زن است. علم این را می‌گوید و آیات و روایات و آیین اسلام هم تأیید می‌کنند.

✚ صدای قلب مادر دل‌انگیزترین نجواست

مادرها هر چند تمایز خواه باشند و همه چیز را برای فرزندانشان بخواهند، نمی‌توانند در برابر نیازهای یک کودک دیگر بی‌تفاوت باشند. رابطه نوزاد و مادر شگفت‌انگیزترین و لطیف‌ترین رابطه هستی است. آغوش مادر برای نوزاد بهترین پناه است. صدای قلب مادر دل‌انگیزترین ترانه است و چه حیف که نوزادانی در سراسر دنیا از این نعمت محروم‌اند.

✚ آغوش امنیت

پیام آن پرستار ما را دور هم جمع کرد. گروهی شدیم به نام «آغوش امین». گفتیم برویم با شیرخوارگاه صحبت کنیم و به صورت شیفتی برای کمک به پرستارها در بخش نوزادان شیرخوارگاه حاضر شویم. وظیفه خودمان را تعریف کردیم: در آغوش گرفتن نوزادان و نوازش کردنشان. همین وبس.



بار آمدند که دغدغه‌شان کمک به دختران مکتب حاج قاسم بود، آن‌هایی که سال‌ها در این شهر برای برداشتن سنگی از جلوی پای خانواده‌ای تلاش کرده‌اند و کارهای عام‌المنفعه‌شان کمتر دیده می‌شود. یک نفر خادم حرم بود. دیگری کانونی برای خواهران شهدا داشت. یکی نویسنده بود و از دغدغه‌های روزانه‌اش می‌نوشت. یکی دیگر هم فیلم می‌ساخت. همه‌شان یک مسئله داشتند و آن کمک به نسلی بود که گاه در سراسیمه‌ی مشکلات گم می‌شود. خواسته‌هایشان را نوشتیم و قول دادیم تا شروع جلسه دیگر به آن‌ها رسیدگی و برخی‌هایش را منتشر کنیم. اکنون، از شما هم می‌خواهیم اگر به همراه شدن با ما تمایل دارید، با شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرید.

نورا

حمیده وحیدی
روزنامه نگار

یک بال برای پروازمان باش

✚ قرار را بر این گذاشتیم تا هفته‌ای یک روز با بانوان دغدغه‌مند دور هم از ناگفته‌هایمان بگوئیم، همان حرف‌هایی که دوست داریم یکی بشنود، بنویسد. بر همین اساس، اولین جلسه را سه‌شنبه گذشته و با اولین دورهمی خانمانه تنظیم کردیم. خانم‌هایی این

ریحانه کوچک ترین دختر خانواده که اکنون مادر چهار فرزند است، به نقش خانواده در تربیت بچه ها و تأثیر آن ها اعتقاد دارد. «بچه های ما آن چیزی می شوند که ما هستیم، نه آن چیزی که می خواهیم. نمی شود بچه قرآن خوان و حافظ خواست ولی در خانه اعتقادی را رعایت نکرد. برای ما مهم است که بچه ها در چه محیطی بزرگ می شوند. اگر خانواده خوب باشد، بچه هم خوب بزرگ می شود ولی زمانی که وارد مدرسه و اجتماع شد، از اطرافیان یاد می گیرد و نقش دوستان را نمی شود انکار کرد. همه ما فضای مهد کودک و مدرسه را تجربه کرده ایم و می دانیم دوست تا چه اندازه تأثیر می گذارد. برای همین، در خانواده خودمان تلاش می کنیم، راه را به بچه ها نشان می دهیم و با آن ها در چالش ها همراهی می کنیم. اجازه داده ایم خودشان انتخاب کنند و هیچ اجباری در کار نبوده است ولی از دور مراقب آن ها بوده ایم. اعتقاد داریم که مسیر اصلاح بچه ها از خانه و خانواده می گذرد و ما روی آن ها اثر می گذاریم.»

خواهرش، معصومه، با مثالی حرف او را ادامه می دهد. «سالی که وارد مدرسه مسجد شدم، زین من سه ساله بود. هنوز سوره های قرآن را به او یاد نداده بودم و فقط سر برنامه صبحگاه که با بچه ها آیه الکرسی می خواندیم، او هم بود و این آیه ها را حفظ کرده بود. برای خودم این موضوع واقعا عجیب بود که بچه توانسته بود با مجاورت و همراهی، بدون آموزش فقط با گوش کردن حفظ شود. این تأثیری است که محیط بر بچه های ما می گذارد و باید مراقب آن باشیم. خیلی از بچه ها متأسفانه از همین محیط چیزهایی را جذب می کنند که ذهن آن ها را تخریب می کند و آینده ای برایشان نخواهد داشت. ما سعی می کنیم از همان دوران بارداری، همه چیز را رعایت کنیم و با توسل به ائمه^(ع)، این بچه ها بزرگ می شوند.»

شادی اولویت زندگی ماست

۲۵ ذی حجه و روزتکریم خانواده بهانه ای شد تا خواهران بیانی

از روزهایی بگویند که به ترویج مهرمادری و خانواده دوستی در جامعه می پردازند

ساعت حدود ۲ ظهر است. رنگ طبقه سوم را می زنم. خانمی با عجله در را برایم باز می کند. آسانسور از طبقات بالا می رود. هیچ صدایی نمی آید. حتی از پشت در هم صدایی به گوش نمی رسد. انگار نه انگار یازده بچه قد و نیم قد در این خانه هستند! در می زنم. باز که می شود، به چند دهه قبل می روم و تازه می فهمم دلیل این سکوت چیست!

رو به رویم در ست وسط پذیرایی سفره ای پهن است که بچه های قد و نیم قد دور آن نشسته اند. یکی از مادران مشغول تقسیم غذا برای بچه هاست. یکی از بچه ها می گوید فقط آب خورشت می خورد. آن یکی گوشت بیشتر می خواهد. یکی دنبال ته دیگ است و این وسط مادر با حوصله برای تک تک آن ها غذا می ریزد. این کارش که تمام می شود، مشغول غذا دادن به یکی از بچه های کوچک تر می شود. تازه غذای بچه ها که تمام می شود، خودش و دو خواهر دیگرش که تا قبل از این مشغول نگهداری از بچه های کوچک تر و جمع و جور کردن اطراف بودند، مشغول غذا خوردن می شوند. البته اگر بچه ها که حالا غذایشان تمام شده است، بگذارند!



لیلا جان قربانی

ماجرای چیست؟

خواهران بیانی زنانه اجتماعی، همسرانی قانع و مادرانی سخت کوش هستند که سبک زندگی خود را بر پایه علوم اسلامی چیده اند. آن ها بیش از شش سال است در مجموعه تربیتی حضرت روح... مشغول آموزش و ترویج خانواده مداری هستند. معصومه بیانی، خواهر بزرگ تر، مدیریت مدرسه در مسجد این مجموعه را برعهده دارد و دو خواهر دیگر به عنوان مربی با او همکاری می کنند. این سه خواهر یازده فرزند دارند و به این مادری افتخار می کنند. همسران آن ها نیز در این مسیر همراه و مشوق آن ها هستند.

شهربانو

۲۵ ذی الحجه ۱۴۴۴ شماره ۳۷۲۰
۳ مرداد ۱۴۰۱

مسیر مشخص است؛ چرا گم شویم؟

معصومه که خواهر بزرگ تر است سرحرف را از مکانی آغاز می کند که حلقه گمشده زندگی امروزهای ماست. «بنابر فرمایش پیامبر^(ص)، تعلیم و تربیت باید در مساجد باشد و حلقه های آموزشی باید در این مکان برپا شود. آموزش در مسجد و فراگیری علوم از این مکان مقدس قطعاً بر روند زندگی بچه ها تأثیر بسزایی خواهد گذاشت. برای همین، من و خواهرانم برنامه اصلی ای که در پیش گرفته ایم آموزش بچه های خودمان از مسجد و ارائه آموزش به دیگران از همین مکان است. آموزش ها سازمان یافته تر و بر پایه مبانی علوم قرآنی هستند. دانش آموزان دیگر دروس را هم فرامی گیرند اما آنچه در نهایت برای آن ها باقی می ماند، علومی است که گره گشای زندگی آن هاست. علاوه بر این، سیستم آموزشی در مساجد این گونه است که بچه ها در همه لحظات زیر نظر مربی هستند. حتی رنگ تفریح آن ها هم همراه با مربی است و همه برنامه ها حتی اردوها همراه با مربی و آموزش است. از طرفی دیگر، خیال خانواده ها هم جمع است که بچه هر چیزی را در این مسیر یاد نمی گیرد زیرا خانواده هایی در مسجد رفت و آمد می کنند که سطح اعتقادی یکسانی دارند. همین سطح باعث می شود بچه در مسجد هر چیزی را یاد نگیرد.»

پرورش حافظ قرآن

زهره نیز که همسرش مؤسس این مجموعه تربیتی است، با خواهرش هم عقیده است. او به دنبال تربیت فرزندان است که حافظ قرآن باشند. «بنا به فرمایش رهبر معظم انقلاب، باید حافظ قرآن پرورش دهیم. همه کارها در کنار قرآن است. حفظ و مرور و مباحثه در همین مسجد انجام می شود و بچه ها در خانه فقط صوت گوش می دهند. همین گوش کردن به قرآن در خانه باعث شده است خیلی از خانواده ها هم جذب قرآن شوند و حفظ را شروع کنند. ما بچه هایی داشتیم که تا کلاس چهارم حتی یک آیه از قرآن را حفظ نکرده بودند اما یک سال اینجا کار کردند و حافظ جزء سی ام شدند. در زندگی چه چیزی ارزشمندتر از این است که آدم وقت خود را برای آن بگذارد؟ خیلی وقت ها وقت بچه ها صرف آموزش مباحثی می شود که در آینده آن ها هیچ نقش مؤثری نخواهد گذاشت. عمر ما و بچه های ما می گذرد و چه بهتر که در راه صحیح و با استفاده و بهره مفید بگذرد. الان دختر پنج ساله خواهرم از وقتی سر کلاس با بچه های پیش دبستانی می نشیند، بیست سوره حفظ کرده است.»



➤ بدون فاصله

آن‌ها برای رسیدن به آنچه به آن اعتقاد دارند و پرورش فرزندان صالح، بسیار تلاش می‌کنند و مادرانی خستگی‌ناپذیر هستند. زهره اعتقاد دارد بچه‌ها باید در کنار مادران خود بزرگ شوند و مادری لذتی دارد که به همه سختی‌هایش می‌آرد. «به نظر من و خواهرهایم، بچه باید با مادرش بزرگ شود. برای همین، حتی در زمان آموزش هم کنار بچه‌ها بوده و از آن‌ها فاصله نگرفته‌ایم. این حرف را هم که بچه‌داری سخت است اصلاً قبول نداریم. مگر مادران ما با چندین بچه زندگی نکردند؟! خود ما هفت بچه بودیم و مادرم همیشه با صبر و حوصله در کنار ما بود.»

➤ اولویت با شادی

ریحانه حرف‌های خواهرش را تأیید می‌کند. «همراهی همسران مهم است. اگر آن‌ها نباشند، با چهار تا بچه کار کردن و حضور در جامعه برای ما واقعاً ناممکن است و این همکاری خیلی مهم است. شاید خانه ما مثل خیلی از خانه‌ها از تمیزی برق زنند ولی باید ببینیم که اولویت در زندگی چیست. شادی اولویت زندگی ماست و از آنچه داریم راضی و قانع هستیم، آن قدری که ما از زندگی راضی هستیم، خیلی‌ها که بیش از ما دارند از زندگی راضی نیستند. مدام می‌نالند و از شرایط راضی نیستند و زندگی شادی ندارند. ما از آنچه داریم لذت می‌بریم و وقتی برای افسرده شدن و ناراحتی نداریم. خیلی‌ها با وجود شرایط مساعد اقتصادی، از زندگی راضی نیستند و شاد زندگی نمی‌کنند اما ما با همه حداقل‌ها و محدودیت‌ها خوشحالی‌م و این خوشحالی نشئت گرفته از اعتقاداتی است که به آن پایبند هستیم و به آن‌ها عمل می‌کنیم. از طرفی، قناعت در زندگی خیلی مهم است. ما به دنبال زرق و برق و تجملات در خانه نیستیم. انواع ظروف تزئینی در خانه ما جایی ندارد. امروز را فدای فردایی که نمی‌دانیم چه خواهد شد نمی‌کنیم. من امروز می‌توانم مادر شوم ولی معلوم نیست چند سال بعد که خانه خریدم باز هم بتوانم. نمی‌شود تا وقتی خانه‌دار نشویم فرزندان را نادید بگیریم. برای خودمان اولویت‌بندی داریم و پولی را که به دست می‌آوریم برای زندگی شاد خرج می‌کنیم. خیلی‌ها سؤال می‌کنند که شما چطور زندگی می‌کنید ولی واقعاً همیشه رسیده است و مشکلی نداشته‌ایم. امروز از زندگی می‌کنیم و اعتقاد داریم هر چیزی به وقت خودش به ما خواهد رسید.»

شماره

شهربانو

۱۴۰۱

۳ مرداد ۱۴۰۱

۲۵ دی‌الجه ۱۴۴۳ شماره ۲۷۲۰

➤ جایگاه ویژه فرزندان در خانه

معصومه مادری را در بارگاه خداوند بسیار ارزشمند می‌داند. او گره خیلی از مشکلات زندگی را با همین عنوان ارزشمند مادری باز کرده است. «شاید باور کردن اینکه جایگاه مادری و فرزندان پیش خداوند ارزشمند و خاص است سخت باشد اما حقیقت این است که ما در این زمینه با خدا معامله کرده‌ایم و خیلی از مشکلات به همین واسطه حل شده است. خیلی از هزینه‌های زندگی به واسطه همین بچه‌ها حل شده است. شاید باورتان نشود ولی بچه آوردن از نذرهای ما بوده است. برای همین، هیچ وقت برای بچه‌ها کم نگذاشته‌ایم و سعی می‌کنیم خانه‌ای شاد برای آن‌ها بسازیم. با بچه‌ها بازی می‌کنیم و برای آن‌ها فضاهای مختلف می‌سازیم تا رشد کنند. مثلاً الان سه سال است که تا ساعت ۲ شب بیدارم و با دخترم بازی می‌کنم. خوابش نمی‌برد. گریه نمی‌کند ولی بازی می‌خواهد و من پایه‌پایش بیدار هستم و بازی می‌کنیم. برای آن‌ها ما میله‌ها داخل خانه اتاق می‌سازیم و همراه پدرشان به مهمانی می‌رویم. در حین این مهمانی، خیلی از مباحث را به بچه‌ها آموزش می‌دهیم و خیلی از دغدغه‌های آن‌ها را درک می‌کنیم. بچه‌ها هر کدام فعالیت جانبی‌ای را که به آن علاقه‌مند هستند دارند و تفریح خانوادگی و تعطیلی جمعه برای خانواده، پارک رفتن و برنامه‌های مشابه است که حذف نمی‌شود.»

➤ طعم شیرین مادری

ریحانه مادری را دارای طعمی خاص می‌داند که خیلی‌ها اگر بدانند، هرگز از آن دوری نمی‌کنند. «خیلی‌ها طعم مادری را نچشیده‌اند که آن را تجربه نمی‌کنند و گرنه اگر طعم این لذت را بچشد، حتماً آن را تکرار خواهند کرد. مادری جنگ نفس و عقل است که خیلی‌ها درگیر آن می‌شوند اما اگر یک بار آن را عقلانی تجربه کنند، حتماً تکرارش می‌کنند. علاوه بر این، بچه‌ها فقط زحمت نیستند. آن‌ها خیلی وقت‌ها حلال مشکلات زندگی هم هستند. خیلی وقت‌ها پیش آمده است که همین بچه‌ها واسطه حل مشکلات ما شده‌اند یا بحث‌ها و ناراحتی‌هایی را که بین من و همسرم پیش آمده است بچه‌ها با حرف‌هایی که می‌زنند حل کرده‌اند. مثلاً همین چند روز پیش که خیلی ناراحت بودم، دخترم آمد و پرسید: «مامان، چرا ناراحت شدی؟! من برای او توضیح ندادم. چند بار پرسید و جوابی ندادم. روی پایم نشست و جمله‌ای را گفت که من همیشه به او می‌گویم. گفت: «می‌خواهم دختر خوبی باشی و شاد باشی.» همین جمله بچه‌ها را تغییر داد و تاخندیدم و گفتم: «آفرین دختر خوب! دیدی شاد شدی؟! اگر این بچه در زندگی ما نبود، قطعاً ناراحتی ادامه پیدا می‌کرد. اگر زنی بودم که بچه نداشتم، ماه‌ها باید با این غم و ناراحتی زندگی می‌کردم اما الان طوری شده است که بچه‌ها نمی‌گذارند ناراحتی داشته باشیم و ادامه پیدا کند. شاید اوایل سخت باشد و نگهداری از بچه‌ها زحمت داشته باشد ولی ادامه کار مادری شیرین است.»

➤ اعتماد به خدا

معصومه ساده‌زیستی را شرط زندگی شاد می‌داند و اعتقادات مذهبی را پایه و بنیان تعاملات خانوادگی سالم قرار داده است. او معتقد است در مسیر زندگی باید به خدا اعتماد کرد. «خیلی‌ها فکر می‌کنند ما به علت داشتن چندین فرزند، زندگی سختی داریم، اما به نظر من، کسانی که از فرزندآوری فرار می‌کنند و می‌کوشند از زیر بار این مسئولیت‌شانه خالی کنند آن شادی قلبی را احساس نکرده‌اند زیرا به خدا ایمان و اعتقاد ندارند. ما به خدا اعتماد کردیم و مادر شدیم. رزق و روزی بچه‌ها از جایی که دست ما نیست می‌رسد. پدران و مادران ما با شرایط سخت‌تری ما را بزرگ کردند. جالب اینجاست که هرچه تجربه مادری بیشتری داشته باشی، مسیر برای نگهداری بچه‌های دیگر راحت‌تر می‌شود و یاد می‌گیری چطور به امور بچه‌ها رسیدگی کنی. البته مادری واقعاً یک از خودگذشتگی است. به هر حال، باید از خواسته‌های خودت برای بچه‌ها بگذری اما در نهایت نتایج خوبی دارد. در آینده، همین بچه‌ها از ما نگهداری خواهند کرد، همان‌طور که امروز ما نگران و مراقب آن‌ها هستیم.»

➤ مادرها در بطن جامعه باشند

آن‌ها علاوه بر اینکه می‌کوشند فرزندان خود را برای ورود به جامعه آماده کنند، تلاش می‌کنند به زنان هنرهای ساده‌ای برای اشتغال‌زایی را هم آموزش دهند: «خیلی پیش آمده است که ما از خواسته‌های خودمان به خاطر بچه‌ها گذشته‌ایم ولی از این شرایط ناراضی نیستیم. من مربی روبان‌دوزی هم هستم و سیصد شاگرد دارم. عصرها کلاس آموزش و رفع اشکال مجازی می‌گذارم. خواهرها هم توقع خیاطی و دوخت و دوز از من دارند که این را به برنامه‌های هرروزه باید اضافه کنیم. ما می‌توانیم این کارهای هنری را انجام ندهیم یا اینکه ما می‌توانیم فعالیتی در مسجد نداشته باشیم ولی اعتقاد داریم که مادران محبیه باید در بطن جامعه باشند و نباید به علت مشغله مادری از دیگر فعالیت‌ها فاصله بگیرند. تا جایی که بتوان داریم به این فعالیت ادامه می‌دهیم زیرا اعتقاد ماست و نشانده‌ای از طرف خداوند در زندگی دیده‌ایم که در این مسیر مانده‌ایم. اعتقاد داریم حتی اگر یک بچه هم از ما چیزی یاد بگیرد و به مسیر درست هدایت شود، برای این دنیا و آن دنیای مابه عنوان باقیات‌الصالحات باقی خواهد ماند. از طرفی هم به بچه‌های خودمان می‌گوییم شما هر کار و هر شغلی که می‌خواهید انتخاب کنید ولی باید سرباز امام زمان (عج) و حافظ قرآن باشید.»





شهربانو

۲۳ شهریور
۱۴۰۱
شماره ۳۷۲۰

(۶)

دو بانوی کارآفرین
که تلاش دارند بازاری اقتصادی خانواده باشند
از زندگی‌شان می‌گویند

کارآفرینی خلاقانه برای نسل امروز

لیلا لاریجه | مریم مقیمی و حسنی احمدی دو رفیق قدیمی هستند که از پنج سال پیش آستین‌ها را برای یک کار خانگی بالا زده‌اند و با چاشنی خلاقیت، دست به تولید لباس و کیف و ملزومات آن زده‌اند. آن‌ها کار خود را از دوخت و دوز برای فرزندان خود شروع کرده‌اند و حالا توانسته‌اند به دیگر مادران کمک کنند.



نقطه شروع

با خودش ببرد. ما کیفی طراحی کردیم که علاوه بر اینکه وسایل مدرسه در آن جا می‌شد، یک سفره دونیم‌متری هم مقابلش باز می‌شد که می‌توانست تمام وسایل بازی را در آن جا دهد و برای کار روی آن پهن کند. یا افرادی بودند که کیفی مناسب اردوهای جهادی می‌خواستند که هم سبک و محکم باشد، هم جادار. آن‌ها هم طراحی کردیم. راضی بودند و ما را به دیگران معرفی کردند. همین معرفی‌ها برای ما بازار کار ایجاد می‌کند. مدتی است بعد از گسترش کار در بازارچه‌ها و نمایشگاه‌ها شرکت می‌کنیم و فروش خوبی هم داشته‌ایم. یک صفحه اینستاگرامی به نام «دست‌سازهای ماریا» داریم که سفارش‌گیری و نمونه‌های کارها در آن است.»

ضرورت

حسنی احمدی: «دخترانم بزرگ شده بودند و این نیاز را در جامعه می‌دیدم که لباس‌های مناسب و پوشیده‌تر تهیه کنم. برای همین، تصمیم گرفتیم وارد کار پوشش نوجوانان به‌ویژه دختران شویم. از طرفی، در کنارش طرح‌های جذاب کیف و وسایل دیگر را هم به علت محدودیت‌های کیف‌های بازاری شروع کردیم. من به این دلیل سراغ کار خانگی رفتم که برایم مهم بود در کنار مسئولیت خانوادگی و رسیدگی به دخترانم، بتوانم هنرم را به دیگران آموزش دهم تا به درآمدزایی برسند. می‌خواستم این کار را به کسانی که به شغل و درآمد نیاز دارند، به‌ویژه زنان سرپرست، بیاموزم. الان مستقیم دو نفر و غیرمستقیم سه نفر با ما همکاری می‌کنند و به دنبال گسترش و افزایش نیروها هستیم.»

سرمایه

حسنی احمدی: «برای راه‌اندازی یک کارگاه کوچک خیاطی، دست کم به سرمایه‌ای حدود ۱۰۰ میلیون تومان نیاز است. چرخ‌ها، میزها و پارچه‌ها و وسایل به این حدود سرمایه نیاز دارد.»

فروش

مریم مقیمی: «ما در فروش موفق بوده‌ایم چون کیفیت را در کنار خلاقیت قرار داده‌ایم. چیزهایی را تولید می‌کنیم که نیاز مردم است. مثلاً در طراحی کیف‌ها همیشه این نکته را در نظر داریم که برای چه کسی و چه سنی است. دقیقاً با نیاز مخاطب آن را طراحی می‌کنیم و از جنسی استفاده می‌کنیم که مرغوب و با کیفیت باشد. خیلی از مشتریان، خودشان توضیح می‌دهند چه نیازهایی دارند و ما براساس آن کار را طراحی می‌کنیم. مثلاً به‌تازگی مادری کیفی برای فرزندش می‌خواست که همه وسایل بازی در آن جا شود و وسایل مدرسه را هم داخل آن بگذارد و مجبور نباشد چند کیف

اولیتم خانواده

حسنی احمدی: «چون اولیتم خانواده است و بیشتر به کارهای خانه رسیدگی می‌کنم، از طرفی هم کرونا هم باعث شد بچه‌ها بیشتر در خانه باشند، در دو سال گذشته بیشتر وقت را برای آن‌ها گذاشتم و منظم به کارم نمی‌رسیدم. درآمد ثابتی نیز نداشتم ولی با همین شرایط حدود ۲ تا ۳ میلیون تومان درآمد داشتیم.»

مواد اولیه

حسنی احمدی: «مواد اولیه ما پارچه است که از بازارهای کلی خرید می‌کنیم. بازارهای تهران به نسبت قیمت‌های مناسب‌تری دارند ولی رفت‌وآمد راحت نیست. برای همین، از بازارهای مشهد خرید می‌کنیم. برخی از خریده‌ها هم از طریق پیج‌ها و اینترنتی انجام می‌دهیم.»

تا کجا؟

حسنی احمدی: «تا زمانی که توان داشته باشیم، می‌توانیم به این کار ادامه دهیم. برنامه‌ام این است که دخترانم هم وارد این کار شوند زیرا ما کار را از خانه و خانواده شروع کردیم و اکنون مادرم، خواهرم و همسر هر وقت زمانی دارند، به کمک من می‌آیند. همه با هم پای کار و مشغول هستیم و آن را پیگیری می‌کنیم.»

یک توصیه

مریم مقیمی: «برای کار، هدف را باید آن‌قدر محکم و بزرگ کنند که سختی‌ها و پستی و بلندی‌ها نتواند آن‌ها از هدف دور کند. در کنار همه شیرینی‌ها و لذتی که داریم، تولید سختی‌های زیادی دارد که اگر هدف بزرگ و محکم نباشد، ممکن است وسط راه، کار رها شود و ادامه نیابد. اگر دوست دارند کاری را راه بیندازند، اول روی هدف خود کار کنند، بعد کار را راه بیندازند تا با یاری خداوند موفق شوند.»



۵۲ درصد در رده سنی
بیشتر تا ۴۰ سال هستند



۴ درصد از کل اشتغال کشور
اشتغال خانگی است



در پنج سال
گذشته ۲۴۰ هزار
شغل ایجاد شده
است



۴ درصد در رده سنی
چهار تا شصت سال هستند



بر اساس آمار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۴ درصد از کل اشتغال کشور مربوط به مشاغل خانگی است و در یک دهه گذشته حدود ۳ میلیون نفر متقاضی ثبت نام مشاغل خانگی بوده‌اند. از این تعداد، یک میلیون و ۶۵۰ هزار نفر مجوز کسب کرده‌اند. همچنین از میان این افراد، ۷۷۲ هزار نفر موفق به دریافت تسهیلات شده و برای ۸۵۲ هزار نفر شغل ایجاد کرده‌اند. در طول پنج سال گذشته، تنها ۲۴۰ هزار شغل در حوزه مشاغل خانگی ایجاد شده است. بیشترین مجوزها به زنان اختصاص دارد که از این تعداد، ۵۲ درصد در رده سنی بین ۲۰ تا ۴۰ سال و ۴۳ درصد در رده سنی بین ۴۰ تا شصت سال بودند.



ظاهره رحیم پور ازغدی
دکتر، تاریخ فرهنگ و تمدن
اسلامی

مسئله حجاب در قرآن مطرح شده است

از این شماره در شهر بانو، استادان دانشگاه به پرسش های رایج بنا به اقتضا و شرایط روز و آنچه در فضای مجازی فراگیر می شود پاسخ می دهند.

+ آیا مسئله حجاب مستقیماً در آیات قرآن مطرح شده است؟

بله، آیاتی که به طور صریح اصل حجاب را برای زن ها واجب و لازم می دانند عبارت اند از آیه ۳۰ سوره «نور» و آیات ۵۹، ۵۳، ۳۳ و ۳۲ از سوره «احزاب».

+ آیا حجاب مانع مشارکت اجتماعی و اقتصادی بانوان است؟

در واقع، حدودی که اسلام برای پوشش زن تعیین کرده است موجب کرامت و احترام بیشتر او در جامعه است زیرا اثبات می کند بانوان بین حریم خانواده و اجتماع تمایز قائل اند و به آن احترام می گذارند. مهم تر این است که هر چند قرآن چهار چوب حجاب را تعیین کرده، قالب آن بر اساس مقتضیات زمان و مکان منعطف است و این انعطاف در رفع موانع مقطعی بسیار کارگشاست. تاریخ اسلام نیز از مواردی گزارش می کند که بانوان مسلمان ضمن رعایت پوشش قرآنی، در صحن عمومی جامعه و حتی میادین کارزار شرکت می کرده اند. نقل شده است پس از پیروزی امام علی (ع) در نبرد جمل، تعدادی از خانم هایی که لباس جنگ بر تن داشتند، همسر پیامبر (ص) را تا مدینه همراهی کردند.

+ از نظر روان شناسی و تحکیم بنیان خانواده، عفاف و حجاب چه تأثیری دارد؟

بر اساس تحقیقات روان شناسان، منحصر شدن کامیابی های جنسی به محیط خانه و همسران مشروع سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می شود. جورج کامینکسی می گوید: «عامل اصلی اختلاف زن و شوهرها در طلاق روابط نامشروع است. تعالیم اسلامی نیز به دنبال مختص شدن روابط صحیح در نهاد خانواده است. از این رو، حفظ پوشش و رعایت عفاف برای زنان و مردان موجب تقویت بنیان خانواده و جلوگیری از ابتذال و تباهی آنان است.



زهرا شوشتری
کارشناس حقوق

پاسخ به پرسش های حقوقی بانوان

لطفا پرسش های حقوقی خود را با ما در میان بگذارید. اجازه دهیم زندگی هایمان زیر سایه قانون شیرین باقی بماند.

- **اختلافات خانوادگی من و همسر من زیاد شده است. می خواهم به مشاوره قبل از طلاق بروم. البته حفظ زندگی هم اگر امکانش باشد برایم مهم است. چند جلسه در مشاوره قبل طلاق می توانم شرکت کنم و کدام مراکز در این باره از نظر حقوقی مشاوره می دهند؟**
- **برای رسیدن به بهترین و مؤثرترین راهکارهای حل معضلات زوجین، بهتر است قبل از هر تصمیمی از مشاوره استفاده شود. طبق قانون حمایت از خانواده، مراکز مشاوره خانواده در سراسر کشور ایجاد شده است و متقاضیان طلاق باید قبل از هر اقدامی ابتدا مشخصات خود را در سامانه تصمیم طلاق ثبت و نوبت مشاوره دریافت کنند. در این جلسات، ممکن است اختلافات جزئی فیصله یابد و سوء تفاهم ها برطرف شود.**
- **بعد از دو سال جدایی، می خواهم با همسرم آشتی کنم. آیا باید شرایط جدید و مهریه را بنویسیم یا می شود آنچه را در گذشته بوده است ترتیب اثر داد؟**

اگر منظور از جدایی طلاق است، در صورت بازگشت، هم می توان همان شرایط سابق را در نظر گرفت هم با شروط جدید زندگی دوباره را آغاز کرد اما اگر منظور از جدایی طلاق نیست و صرفاً مدت دو سال است که به واسطه مشکلات از یکدیگر دور بوده اید، بازگشت شما با همان شرایط سابق خواهد بود. البته قابل ذکر است که می توان درباره افزودن یا کاستن از شرایط قبل نیز که در سند ازدواج بوده است اقدام کرد.

- **یکی از بستگان نزدیک با ایجاد اختلاف بین من و همسر من قصد ایجاد مشکل دارد. راهنمایی بفرمایید چطور می توانم از ایشان شکایت کنم.**
- **ابتدا پیشنهاد می شود رابطه با افراد سمی اطراف خود را قطع کنید و با صراحت درباره نظراتان با آن ها گفت و گو کنید و اجازه دخالت را بگیریید. این را در نظر داشته باشید که امکان طرح شکواییه به واسطه ایجاد اختلاف وجود ندارد. البته در صورتی که در گفتمان فرد مذکور کلماتی به کار رفته باشد که گویای توهین یا افترا و ... باشد، می توان به شکایت کیفری اقدام کرد.**

- **تجویز دارو از سوی یک دکتر باعث سقط جنین شده است اما این دکتر زیر بار نمی رود. چطور می توانم ادعایم را ثابت کنم؟**
- **باید به دادرسی ویژه امور پزشکی، دادرسی عمومی یا دادرسی انتظامی مراجعه و شکایت خود را ثبت کنید تا با ارجاع به پزشکی قانونی و تحقیقات، پرونده بررسی شود و در صورت قصور پزشک، رسیدگی لازم صورت گیرد.**



شهر بانو

۲۳ شهریور
۳ مرداد ۱۴۰۱
۲۵ دی‌ماه ۱۴۴۳ شماره ۳۷۲۰



گوهرشاد نامی که در تاریخ باقی ماند

گوهرشاد بیگم دختر امیر غیاث الدین، رئیس قبیله ترخانیان، بود که در سال ۷۸۰ هجری قمری دیده به جهان گشود. دست سرنوشت چنان رقم زد که دخت امیر غیاث الدین به همسری پسر تیمور، شاه رخ میرزا، درآمد و مقام و منصب همسر، دست وی را برای انجام فعالیت های فرهنگی و سیاسی باز بگذارد. او در مقام همسری شاه رخ، مشاوره امین در امور عمرانی و سیاسی نیز بود به طوری که بسیاری از بناهای باشکوه تیموری با کوشش این بانوی فاضل ساخته شد. گوهرشاد آغا دستور داد کتابخانه ای بسازند حاوی ۳۲ هزار نسخه کتاب با ۴۳ زبان مختلف. از میان کتب کتابخانه، هزار نسخه آن خطی مصور بود. او هزینه های کتابخانه را از دارایی خود می پرداخت.

مسجد جامع و خانقاه شهر هرات از شاهکارهای معماری تیموری به شمار می رود که به امر وی ساخته شد. در مشهد نیز دو رواق دارالحفاظ و دارالسیاده به دستور گوهرشاد بیگم ساخته شد. از مشهورترین بناهای برجای مانده مزین به نام گوهرشاد آغا در خراسان، مسجد گوهرشاد در حرم امام رضا (ع) است. گویند چون دستور ساخت مسجد داده شد، بانو فرمود معماران و هنرمندانی در این بنا مشغول به کار شوند که عابد باشند. روز را با روزه بگذرانند و شب را به نماز شب سپری کنند. نقش گوهرشاد آغا در امور سیاسی درخور توجه است زیرا شاه رخ میرزا بر خلاف تیمور، روحیه اقتدارگرایی نداشت. به همین علت، امور کشور زیر سلطه شاهزاده های تیموری و با مشاوره گوهرشاد آغا انجام می گرفت. بانو از چنان منزلی در دربار برخوردار بود که شفاعت خطا کاران را در پیشگاه سلاطین می کرد. هم چنین بانو پی در پی تلاش کرد پس از مرگ شاه رخ، علاءالدوله جانشین شاه باشد. این در حالی بود که عموی علاءالدوله به نام الغ بیگ در قید حیات بود. چون شاه رخ دار فانی را وداع گفت، علاءالدوله تصمیم گرفت عموی خود را به عنوان جانشین بپذیرد و با او بیعت کند اما در همین هنگام، فتنه ای علیه گوهرشاد آغا شکل گرفت که منجر شد بانو و دیگر ترخانیان به دستور نوه دیگر بانو به نام عبداللطیف دستگیر شوند. خبر به گوش علاءالدوله چون رسید، وی پرچم استقلال برافراشت و دستور آزادی گوهرشاد آغا و دیگر اسیران ترخانی را داد. بانو گوهرشاد آغا در هشتاد و یک سالگی به دستور سلطان ابوسعید، برادرزاده شاه رخ، به قتل رسید اما نامش به یادگار باقی ماند.

سرگذشت پرفروغ تحصیل دختران

نگاهی به کتاب خاطرات بنیان گذار اولین مدرسه دخترانه مشهد

در میان زنان موفق و اثرگذار ایرانی، کمتر کسی را می توان یافت که زندگی خود را با جزئیات فراوان و در بستر جریان های اجتماعی و سیاسی زمانه اش روایت کرده باشد، اما عزیزالملوک آذرخشی، مؤسس نخستین دبستان دخترانه شهر مشهد، در کتاب «سرگذشت ما» نه تنها روایتگر داستان پرفراز و نشیب زندگی خود شده است بلکه به اوضاع فرهنگی و اجتماعی دوره حیات خود نیز نگاهی تیزبین دارد. در حقیقت، کتاب او منبعی مهم برای درک و دریافت شرایط زندگی زنان، و روایتگر بخشی از تاریخ نانوشته و نقش نادیده گرفته شده آن ها در فعالیت های اجتماعی و فرهنگی است. بخش هایی از این کتاب به این علت که به جزئیاتی فراوان و جالب درباره خانه های قدیمی و روابط صمیمانه زنان سنتی ایران می پردازد، رنگ و بوی داستان های قدیمی را به خود می گیرد. نکته مهم این است که نویسنده شاهد بسیاری از رویدادهای مهم و به روایت و تحلیل آن پرداخته است. سرگذشت تأسیس دبستان فروغ مشهد با همه جزئیات تاریخی اش را می توانید در این کتاب بخوانید.

سرگذشت ما، فروغ زندگی
حرکت در تندباد اجتماعی

- نویسنده: عزیزالملوک آذرخشی (شیبانی)
- نشر: نامک
- تعداد صفحه: ۶۸۵

پرستاری زیر بمباران



کتاب «تیمار غریبان» روایتی داستانی از خاطرات سکینه محمدی است که در دوران هشت سال دفاع مقدس به پرستاری و امدادگری در بیمارستان OPD شرکت نفت آبادان مشغول بوده است. این اثر، خشونت‌های جنگ و جبهه را از زبان زنی قدرتمند مطرح می‌کند و در خلال به تصویر کشیدن این حقایق تلخ، بافت فرهنگی و اجتماعی مردم آبادان در زمان جنگ را نیز به نمایش می‌گذارد. سکینه محمدی یکی از سوپروایزهای بیمارستان نفت آبادان در زمان جنگ تحمیلی بود و در این کتاب خاطراتش از رویدادهای تلخ آن زمان را بیان و به جزئیات مختلفی از جمله رسیدگی پرستاران و درمانگران به مجروحان جنگی اشاره می‌کند.

پروین کاشانی‌زاده، نویسنده «تیمار غریبان»، از سال ۱۳۸۳ که کار جمع‌آوری خاطرات پرستاران بیمارستان‌های آبادان را در دوران جنگ شروع کرده است چندین بار میان سخنان امدادگران و پرستاران نام خانم پرستاری به اسم سکینه محمدی را شنیده که شرح کارهایش در بیمارستان شرکت نفت برایش جالب و بارز به نظر آمده است. بهمن ۱۳۸۹ به صورت اتفاقی در نمایشگاه کتاب آبادان فرصت آشنایی با وی را پیدا می‌کند. خوشحال می‌شود. خودش را معرفی و خواسته‌اش را مطرح می‌کند. خانم محمدی می‌خندد و می‌گوید: «من چیزی برای گفتن ندارم. هر چه بود فقط وظیفه بود.» و کاشانی‌زاده در جواب می‌گوید: «این خاطرات فقط متعلق به شما نیست. هویت و تاریخ مقاومت کسانی است که

شما طی سالیان دفاع مقدس در کنارشان بوده‌اید.» و این گونه راضی می‌شود و برای گفت‌وگوها قرار می‌گذارند.

نویسنده «تیمار غریبان» در روند مصاحبه‌ها متوجه می‌شود الگوی خانم محمدی در زندگی پدرش بوده است. این بود که تحقیقات را در دو سو آغاز می‌کند: گردآوری خاطرات پدر از خانواده و نزدیکان توسط خود خانم محمدی و تحقیق درباره وقایع آن زمان آبادان توسط خودش. با این رویه، یعنی تحقیق، مصاحبه، تدوین و بازنویسی‌ها، کتاب «تیمار غریبان» شکل نهایی‌اش را پیدا می‌کند و از طریق دفتر مطالعات ادبیات پایداري حوزه هنری آبادان در مراحل کارشناسی و انتشار قرار می‌گیرد.

«تیمار غریبان» خاطرات سکینه محمدی توسط پروین کاشانی‌زاده به رشته تحریر درآمده و از طریق انتشارات سوره مهر، با شمارگان ۲۵۰۰ نسخه، در سال ۱۳۹۶ روانه بازار کتاب شده است.



تیمار غریبان

• نویسنده: پروین کاشانی‌زاده

بانوی قرن

خدیجه طلعت متولد سال ۱۲۹۸ بود و پنج پسر به نام‌های حسین، محمد، حسن، عباس و ابوالفضل (امیر) داشت. حسین جانباز دوران دفاع مقدس بود که چند سال پیش به رحمت خدا رفت. محمد جانباز اعصاب و روان است که در قید حیات است و سه پسر آخر خانواده، یعنی حسن، عباس و ابوالفضل، در دوران دفاع مقدس شهید شده‌اند.

حسن، عباس و ابوالفضل اسماعیل‌زاده زنجان، به ترتیب در سال‌های ۱۳۳۶، ۱۳۳۹ و ۱۳۴۲ در مشهد چشم به جهان گشودند. ابوالفضل آخرین پسر و اولین فرزند شهید این مادر بود. او هم‌رزم دکتر چمران بود و ۱۹ مرداد ۱۳۶۰ در بانه شهید شد. پسر دوم، عباس، که از روزهای نخست جنگ داوطلبانه وارد جبهه شده بود، در اولین اعزام رسمی خود و در ۲۹ اسفند ۱۳۶۰ در چاباه به شهادت رسید. حسن نیز ۴ خرداد ۱۳۶۱ در شلمچه به شهادت رسید.

شهید مفقودالآثر نادر تبریزی و آزاده سرافراز محمود رعیت‌نژاد از نوه‌های این بانوی گرامی هستند. این مادر همیشه می‌گفت: «الهی شکر که پسران من جنگیدند. اگر مردان باغیرت نمی‌جنگیدند، الان ایران به این شکل نبود.»

کتاب «بانوی قرن» بخشی از خاطرات این مادر فداکار از دوران کودکی، جبهه و شهادت فرزندان عزیزش است که سعیده زراعتکار به رشته تحریر درآورده است.

این بانوی صبر و استقامت ۱۴ مرداد ۱۴۰۰ در صدویک سالگی به علت کهنسنت، دار فانی را وداع گفت و پیکرش در خواجه‌ربیع در جوار فرزندان شهیدش به خاک سپرده شد.



شهربانو

۲۳ شنبه
۳ مرداد ۱۴۰۱
۲۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ شماره ۳۷۲۰

مهربانو

ملیحه رنگ آمیز طوسی

روزنامه‌نگار

یک آخر هفته با طعم کارآفرینی!

رویداد «دا» با محوریت کارآفرینی دختران در مشهد برگزار شد

فراهم کردن امکان پرو آنالاین لباس، تیم نویه‌نو که اعضای آن نوجوان و دانش‌آموز بودند و ایده اولیه‌شان فراهم آوردن امکان آموزش دانش‌آموزان به هم بود و تیم رزی سیور با ایده اولیه تولید و استخراج محصولاتی بر پایه گل محمدی.

از بین تیم‌های برگزیده و غیربرگزیده، چند تیم هم موفق به جلب نظر سرمایه‌گذارها و جذب سرمایه‌های صدمیلیونی شدند. ثبت بیش از ۳ هزار ایده کسب و کار از ۲۶۰ شهرستان کشور، یکی از دستاوردهای بزرگ رویداد ارزش‌آفرینی «دا» بود. در انتهای این مراسم که با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد، شهردار مشهد و جمعی از مسئولان برگزار شد، فاطمه کوزه‌گرانی، هانیبه قربانی و پریا کریمی به عنوان صاحبان کسب و کارهای شتاب‌دهنده نمونه از حمایت یک میلیاردی حامیان مالی این رویداد بهره‌مند شدند.

رویداد «دا» که آخر هفته در شهر مشهد برگزار شد، با ویژگی‌ها و اقتضائات خاص، اردویی کارآفرینانه محسوب می‌شد. این رویداد که در سطح ملی برگزار شد، با ثبت نام از دختران شانزده تا بیست و پنج ساله کار خود را شروع کرد. دختران برای شرکت در این رویداد کافی بود صاحب ایده باشند. ایده‌ها هم می‌توانست جدید هم می‌توانست ایده‌های در حال اجرایی باشد که در سطح کوچک امتحان خود را پس داده و حالا با شناخت بیشتر و اشراف بهتر بر وضعیت مخاطبان، کاربران و چالش‌ها، به ایده‌ای بزرگ‌تر و پخته‌تر تبدیل شده بود. از بین شرکت‌کنندگان در فراخوان ثبت نام، ۱۳۰ نفر انتخاب شدند که بین آن‌ها از دورترین نقاط مثل بندرعباس تا همسایه‌های امام رضا^(ع) به چشم می‌خوردند. در نهایت سه تیم با امتیاز کامل توسط هیئت داوران برگزیده شدند. تیم پروینو با ایده اولیه

ضمیمه روزنامه شهرآرا

صاحب امتیاز
و مدیرمسئول:
شهرداری مشهد
مدیرعامل:
سیدمیرثم موسوی مهر
سرمدیر:
سید سجاد طلوع هاشمی
دبیرعامل:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه:
حمیده وحیدی
صفحه‌آرایی و گرافیک:
ملک جمعی

